



تابستان ۱۳۵۰

ارگان عقیدتی - سیاسی سازمان دزمندگان پیشگام مستضعفین ایران

نشانی: میدان امام حسن (عزیزه) پاساژ شهرام، طبقه چهارم تلفن ۲۶۰۶۶۳

فترت "غیاب" قیام مهدی جولانگاه بخود آگاهی رسیدن مستضعفین در راه پربایی اجتماعی مستی بر قسط، زمینه لازم رستخیز نهایی مهدی است.

باس عامل سکون، و امید کاتالیزور حرکت مستضعفین:

عسب مکانیزم مبارزه مستمر مستکبر و مستضعف در طول تاریخ ساکن یک دور مسلسل از پیروزی و شکست مستضعفین می باشد. پیروزی مستضعفین و نابودی باکوت مستکبرین، در زمان بعثت انبیا تجلی می نموده و شکست ایشان پس از رحلت انبیا (که مستکبرین با دستبازی عالمن به پیام پیامبران (رهبانان) مسیر دوناخای (زور زور) حرکت خود را به یک مسیر نه ناخای (زور زور و تزویر) بدل می نمودند تا مستضعفین به خود آگاهی رسیده را تحت لوای عامل خود آگاهی بخشنده بدینان (پیام انبیا) دوباره به مسلح خویش کنند و اینار دبح شرعیان کنند) ساز می یافه است.

و اگر چه این تسلسل تاریخی پیوسته شکست مستضعفین را بدینال داشته است، اما مشیت الهی که بشکل قوانین علمی بر طبیعت و تاریخ حاکم است و تقدیر الهی که بصورت تقدیر علمی منجلی است، پیروزی نهایی مستضعفین را جهت سلب رانها پستان کدر استحقاقهای فردی و اجتماعیان نمود یافته، تضمین نموده است. و این نوید را برای مستضعفین بدینال داشته و دارد که تحقق آرزوهای انبیا (که حق و صلح و عدالت و بر پایی حامد مبتنی بر قسط است، خط پایان ظلم و ستمی خواهد بود که در طول تاریخ، مستکبرین بر مستضعفین روا میداشته اند.

هر چند که نفع دوباره مستکبرین و عملکرد دوباره ایشان در یک مسیر نه ناخای (زور زور و تزویر)، پس از رحلت انبیا، انقلاب پیامبران را به مسخ می کشیده و زمینه ظلم و ستم بر مستضعفین و استثمار حادث را پستان را در لباس تخدیر افکار، فراهم مینموده و همه عوامل را در جهت به یاس مبارزاتی کشاندن مستضعفین و جلوگیری از بالندگی ایشان بسیج میکرد است. اما تضمین پیروزی نهایی مستضعفین از جانب خداوند و انعکاس جامعه ای بر اساس حق و صلح و عدالت بجای ظلم و ستم و استثمار در اذهان مستضعفین، همواره عامل انگیزش ایشان به مبارزه بر علیه مستکبر، جهت دست یافتن به آرزوهای ذهنی شان بوده و میباشد.

یاس و نا امیدی، بزرگترین مانع مبارزه و حرکت میباشد. و در این رابطه، کار مستکبرین به یاس کشاندن مستضعفین و کار انبیا امید بخشیدن بدیشان بوده است.

مستکبرین پیوسته بر این بوده اند تا مظلومیت و بیچارگی و ضعف مستضعفین، و حاکمیت خویش و علویت خویش را، در نظر مستضعفین امری جبری و مشیتی الهی و بالطبع اجتناب ناپذیر بنمایانند. و بدینوسیله ایشان را به یاس و در نتیجه بن بست مبارزاتی، بکشانند.

پس از اینکه پیامبران با پیام نوید بخش خویش، امید را در دل مستضعفین زنده میکردند و ایشان را به حرکت و مبارزه و امید داشتند، همینکه چشم از جهان فرو می بستند، مستکبرین شکست خورده و ساکت، سراز نطفه توطئهای خویش بر میداشتند و در اولین قدم با همیاری عالمن به پیام پیامبران (رهبانان)، همین پیام امید بخش را به زمزمهای یاس آورد بدل میکردند و دوباره نخم یاس و نا امیدی را در دل مستضعفین میکاشند و ایشان را به سکون و تسلیم و رضا می نشاندند. و البته انجام این کار برخاس به چندان ساده بوده است، از آن رو که می بایست تمام وسوسه های آشکار و نهان خویش را بکار بندد تا افکار مردم را در شبکه های پیچ در پیچ تبلیغات و تطمینات و تهدیدات خویش گرفتار سازد تا نیروها و تواناییهای بالقوه خویش را جهت مبارزه با مستکبر، ناچیز بدارند. و نا امید و مایوس در وادی بین مرگ و زندگی سرگردان بمانند.

فلاح - حکمت - قسط، هدف پیامبران در مبارزه با یاس مستضعفین

پیامبران برای برپایی تراخین تبلیغات و تطمینات و تهدیدات مستکبرین

و در نتیجه امید دادن به مستضعفین، هدفهای زیر را دنبال میکردند:

- ۱- فلاح: اولین هدف حرکت انبیا عبارتست از ایجاد یک خود آگاهی نفسانی در انسانهایی که بر اثر عملکرد وسوسه های مخفی و آشکار مستکبرین خود را فراموش کرده اند و مقهور تبلیغات، تطمینات و تهدیدات آنها شده و به وضع موجود رضا داده اند (۱).

- ۲- حکمت: انبیا پس از به خود آگاهی نفسانی رساندن انسانها، فلاح حاصل از قطع وسوسه های مخفی و آشکار (ناگفته های نهان و آشکار) مستکبرین را، با الف، حکمت یا ایدئولوژی (۲) به مستضعفین، می گردانید. ایدئولوژی، مجموعه مقررات و قوانینی است که در صورتیکه مستضعفین در کادر آنها عمل کنند، ارزشهای فراموش شده انسانیشان را باز خواهند یافت و خواهند توانست حرکت خویش را با حرکت اولی - ادامه فطری آنان (زندگی در جنت) همراز کنند. بنابراین ایدئولوژی، ادامه فطرت انسان است و الف، آن به مستضعفین دومین هدف انبیا می باشد.

- ۳- قسط: سومین هدف انبیا در مبارزه با یاس مستضعفین، عبارتست از برقراری اعتدال در حرکت اجتماع. اجتماع مبتنی بر قسط، اجتماعی است که در حرکت خصلتهای نفسانی (استخدام طلبی - فزون طلبی - حب شهوت - مسؤلیت ...) و نیز در صورت خصوصیات انسانی (ظلم - کثورت - عجز ...) افراد آن، اعتدال و هماهنگی برقرار باشد. و در نتیجه در یک چنین اجتماعی، عدالت اقتصادی - عدالت فرهنگی ... و کلا، عدالت اجتماعی برقرار است.

البته لازم به تذکر است که اجتماع مبتنی بر قسط تنها توسط "ناس" (مستضعفین به خود آگاهی رسیده یا مستضعفین بالنده) بر پا میشود (حدید ۲۵).

تلاوت - تزکیه - تعلیم، وسایلی که پیامبران توسط آنها اهداف خویش را دنبال میکنند:

پیامبران برای الف، میزان به حرکت نفس (فلاح) و حرکت انسان (حکمت) و حرکت اجتماع (قسط)، که اهداف ایشان در مبارزه با یاس مستضعفین میباشد، از طریق تلاوت (بیان میزان در طبیعت)

تزکیه پیاده کردن میزان طبیعت، در نفس و اجتماع و تعلیم (الف) ایدئولوژی و جهان بینی به انسانها عمل میکنند (۳).

بدین معنی که پیامبران، ابتدا قانونی کلیه پدیده های هستی را در رابطه با نفس و اجتماع، بوسیله "تلاوت"، برای پیشگان حرکت ناس بیان میکردند، که البته این قانونی بعداً توسط پیشگام، به ناس منتقل میگردد است.

آنگاه الف، قانونی (میزان) هستی به حرکت نفسانی (فلاح) و حرکت انسانی (حکمت) و حرکت اجتماعی (قسط)، انسان و اجتماع را "تزکیه" میگردند.

البته لازم به تذکر است که الف، میزان به نفس و انسان، در رابطه با پیشگام صورت میگرفته است و آنگاه پیشگام (حزب پیشگام) برهبری انبیا با رهنمودهای خویش این میزان را به حرکت اجتماع الف، میگردد. یعنی

پارو (۱) - آیات ۸ و ۹ و ۹ و ۹ سوره شمس: "و نفس و ما سوسها - فلیهما فجورهما و تقویها - قد افلق من زکیه: و قسم به نفس و آنکه آن را تسویه کرد پس (زمینهای) فجور و تقوی را (بطور مساوی) به آن الهام کرد - بتحقیق رستگار شد (یعنی به خود آگاهی رسید) آنکه آن را تزکیه کرد (یعنی در زمینه تقوی رشد داد)". توضیح بیشتر در این مورد در درس اول اعتقادی و نیز پیام شماره ۲ آمده است.

(۲) - سوره جمعه: ۲: هوالذی بعث فی الامم رسول منهم ... و علیهم الکتاب و الحکمه. در این آیه حکمت عبارتست از ایدئولوژی، و کتاب عبارتست از جهان بینی، توضیح بیشتر در این مورد در پیام شماره (۲) آمده است.

(۳) - برای دریافت بهتر مطلب، به پیام شماره (۳) - فوق العاده ویژه پاسدار، مراجعه کنید.

حرکت اجتماع را که تحت رهبری خود "ناس" (مستضعفین بالنده) ادامه داشته، توسط رهنمودهای خویش، با حرکت کلی آفرینش همراز میگردد است. پس از آن انبیا در سومین مرحله حرکت خویش در رابطه با پیشگام، او را تحت "تعلیم" فرارمیدادند و کتاب (جهان بینی) و "حکمت" (ایدئولوژی) را به او می آموختند (۱).

نتیجه اینکه پیامبران برای رسیدن به اهداف سه مرحله ای خویش (فلاح - حکمت - قسط)، ایندایک حزب پیشگام که افراد آن توسط "تلاوت" تزکیه - تعلیم" به خود آگاهی رسیده اند، تشکیل میدهند. و آنگاه توسط این حزب، مستضعفین را به خود آگاهی مکتبی - اجتماعی میرسانند و این مستضعفین بخود آگاهی رسیده (ناس) خود، قیام به قسط میکنند و توسط "آهن" (حدید)، میزان را در حرکت اجتماع برقرار می نمایند. یعنی حرکت اجتماع را با حرکت کلیه پدیده های هستی (میزان در هستی) همراز میکنند. در این مرحله از حرکت ناس، پیامبران و حزب پیشگام نقش رهنموی دارند و رهبری بدست خود ناس است.

بنابراین پیروسی کلی حرکت انبیا را میتوان در دو مرحله ایجاد خود آگاهی انسانی و خود آگاهی اجتماعی در مستضعفین، و در نتیجه رسیدن روح، امید را در پیگر "ما یوس" و نا امیدشان، خلاصه کرد.

نتیجه استراتژی مستکبرین جهت ایجاد یاس و نا امیدی در مستضعفین که باعث تسلیم شدن ایشان میشود عبارت از این است که با تبلیغات و تطمینات و تهدیدات (وسوسه های نهان و آشکار) خویش قدرتها و تواناییهای وجودی مستضعفین را در رابطه با قدرت خویش ناچیز جلوه داده و ایشان را مجبور به سکوت و تمکین در مقابل مآذین میکنند.

اما هدف پیامبران و در نتیجه استراتژی ایشان درست در جهت عکس هدف و استراتژی مستکبرین است (۳). بدین معنی که پیامبران برای ایجاد امید در مستضعفین، آنها را نسبت به نیروها و تواناییهای وجودیشان جهت مبارزه با مستکبر، خود آگاه کرده، و قدرت مستکبرین را ناچیز مفری می نمایند. و این خود آگاهی را، در عمل توسط حزب پیشگام به مستضعفین الف، میکنند. آنگاه این مستضعفین بالنده (ناس)، خود دست به اسلحه (حدید) برده و مبارزه بر علیه مستکبر را رهبری میکنند. و از این لحظه نقش رهبری "انبیا" و حزب پیشگام، به نقش رهنموی بدل میشود است (۲۵ حدید).

اعتقاد به قیام مهدی (عج)، بر انگیزنده امید در دل مستضعفین

در اینجاست که فلسفه قیام مهدی (عج) در رابطه با انگیزش امید در دل مستضعفین، مفهوم می یابد. امید غلبه نهایی "ناس" بر "غناس"، مستضعف بر مستکبر، حق بر باطل، همیشه در طول تاریخ حتی در مذاهب و مکاتب غیر اسلامی، عامل مهمی بوده است که توده های انبوه مستضعفین را بر علیه مستکبر برمی انگیزد است. زیرا نوید پیروزی نهایی حق بر باطل این مفهوم را برای مستضعف تداعی میکند است که علیرغم آنکه می بینند مستکبرین با اقتدار تمام بر تو سلطانند، و با تمام تلاش خویش مانع از رشد و حرکت نودشانند تا زمینه رشد خودشان فراهم باشد.

علیرغم آنکه می بینند تمام تاریخ سازان، بضع مستکبر قلم بدست گرفته اند و چنین وانمود میکنند که تاریخ، یعنی پیروزی همیشه مستکبر، وضع و ذلت دائمی مستضعف.

علیرغم آنکه می بینند یول، زن، زور، علم، هنر، پیشرفت و تکنولوژی و صنعت، شبکه های پیچ در پیچ تبلیغات، و حتی مذهب توکه عامل خود آگاهی

پارو (۱) - در مورد استراتژی کلی پیامبر اسلام، در پیام شماره (۲) توضیحات کافی آمده است.

(۳) - اینجاست که میتوان نتیجه گرفت که برای مبارزه با مستکبرین باید از همان دری که آنها وارد شده اند، خارج شد.

بخشیده به نبودن، و از آن هم بالاتر امام زمان نو که تمام امداد آرزو را به قیام وی دوخته بودی و در استخدام رند سلطه جوی مسکندر آمدند.

علیرغم آنکه وسوسه های مخفی و آشکار مسکندر، روز بروز تورا در نارهای عسکری فخر و جلال و نماد طغیان و بغر و احمقانه و استعمار و بی فرهنگی و بیشتر می پدید.

و بالاخره علیرغم تنگنای تنالی که پس از پیروزی هر پیامبر، از وارنشین ایشان (رهبران) خورد می

منبت الهی جسم انصاف کرده است که اگر حتی یک روز از عمر جهان باقی مانده باشد، خداوند این روز را بتقدیر طولانی خواهد کرد تا فرزندی از خاندان رسول الله با حسنه و با انقلاب خویش، حقوق از دست رفته نو را که در طول تاریخ، مسکینین به عاریت می بردند، از ایشان باز پس گرفته و انعام قیل نامها و زندانها و شکنجه ها و بی عدالتی ها و حق کتی ها و را که در طول تاریخ بر تو رفته است، خواهد گرفت و تو را به مقام امامت و سپس وزارت بر زمین خواهد رساند، و اراده خداوند را در زمین جاری خواهد ساخت.

آری، مهدی (عج) با قیام خویش از یکطرف بپروژه ایدئولوژی (که نمودار حرکت مسکینین در تاریخ است) بر خاک میاند (استرازی "لا" ی مهدی) و از طرف دیگر اجتماع سنتی بر روابط فاسد و روابط آزادی - عدالت آگاهی، بنا خواهد کرد (استرازی "لا" ی مهدی). آنچنان که در این اجتماع، ترک و منی برب یک جوی آب خواهد خورد.

فانلن کرپلا، خلفای جانبکار و غاصب، علما، و روحانیان مذاهب شیعه و سنی که مذهب را به مسخ کشیدند و آثار بحیثیت و سلطه جهت افراطی پست شخصی خویش در آورده اند تا هر چه بیشتر منابع طبقاتی خویش را حفظ کنند، همه را به جود اعدام خواهد سیرد و جهان قتل عامی از ایشان بیا خواهد کرد که جوی خون راه خواهد افتاد.

استعمار و استعمار از سطره ظلم و ستم و استبداد و استعمار و استعمار و استعمار و بالاخره استعمار، رهائی می بخشد و نظام عدل و رژیم امامت را بر مبنای قرآن و سنت محمد (دو غریب زمان ما) برپا خواهد ساخت، و به رویای حکومت جهانی واحد، صورت تحقق خواهد بخشید، حکومتی که در آن سرمایه دار و فقیر، مستضعف و مسکین - ظالم و مظلوم و همه از بین رفته اند و فقط یک طبقه وجود دارد، و بدینسان با از بین بردن ملا و مرف و رهان (وسوسه گر آشکار و نهان) صلح جهانی را بر فراز خواهد ساخت.

موازنه ها و موازنه های اقتصادی جاری (تطبیق) را که موجد تضادهای اقتصادی و انحرافات اجتماعی هستند از بین برده و بجای آنها استاندارد های توحیدی را جایگزین خواهد ساخت، تا اقتصاد و سلطه ای شود جهت رشد استعدادها با بقوه ذاتی مستضعفین، به هدفی که سلطه جوان برای دست یافتن بدان مستضعفین را بوجود آورد و بحث سلطه خویش گیرد.

ظهورش از مکه است، و این نکته، بیاگر این است که نهضت او ادامه تسلسلی نهضت اسباب، در طول تاریخ میباید، اما اینبار او هدف اسباب را که ایجاد اعتدال در حرکت اجتماع بود، منتفی خواهد ساخت، مکه، خانه مستضعفین بخواهی رسیده (سمیه باسر - ابوذر - عمار - سلمان ...)

سبل مقاومت و مبارزه از جان رستگان با ایمانی که اجتماع طبقاتی حاصل از انحرافت مسکینین را، ناب بناورند.

مرکز حکومتش "کوفه" است، آخرین پایگاه ادامه دهندگان نهضت آنها.

همگامش، ۳۱۳ تن از اصیل ترین نیروهای رزمده انقلابی و تعدادشان در دست به اندازه تعداد رزمندگان جبهه پدراست، که بیاگر هماری حرکت ایشان با حرکت رزمندگان رزق رهبری پیامبر (سازدانی که بر علیه رژیم ابوسفیان بهاخاندن) است.

بدر، صحبه پیکاری است که برای اولین بار در تاریخ قلب مسکینین را چنان بدر آورد که ممکن العملی آنچنان ندید را در جنگ احد بروز دادند. جنگ بدر، جنگی بود با شمار صد کترگران و سرمایه اندوزان و فرمان پیامبر در این جنگ این بود "برگان را کشید که عامل دست اندازد، بلکه جگر گوشه شان سرمایه داران که در قتل عام گند" و از این رو کشتگان این جنگ را سنگران و روحانیان خود فروخته های تشکیل میدادند که موالید با موارث و با مردوران جیره خوار سرفه سرمایه داران مکه وظائف بودند.

و سجات یافتگان این جنگ، بودهای محروم و ستمدیدهای بودند که تاریخ طاعن را جز بدبختی و اسارت از ایشان بیاد ندارد. و حرکت مهدی (عج) و بارش نیز حرکتی هفاز با حرکت پیامبر و همزمانش خواهد بود.

پوشش انقلابی مستضعفین، زمینه ساز انقلاب مهدی (عج)

در باقیم که، ادبیت، پیروزی نهایی حق بر باطل، باس برخاستن مستضعفین بپروژه و مرف و رهان، پیوسته انگیزه نیرومندی بوده است که باس و نزدیک رو به براب مستضعفین از این میرد بین دو پوشش انقلابی ایشان را بر علیه مسکینین تحقق می بخشید است.

صرت "عباس قیام" وی، دو بعد کالای "ضاد پندارده است. بدین لحاظ که، از آنجا که مسکینین یک این نکته را در بازمه اند که طنی را که به خود آگاهی رسیده است، بوسیله جایی بحر همان غافل خود آگاهی بخشد به روی مسکینان و باز به انصاف کشد، تا برای در این مورد هم، از اعتقاد مستضعفین به وجود یک سخی که بالاخره تمام خواهد کرد و اعتقاد ظلم و سنی را که فریاد بر آسان میرسد آزار مسکینین خواهد گرفت، برفع جوی (السنه یا هماری رهبران) استفاده کرده و مفهوم انقلابی این اعتقاد را بدینگونه مسخ کردند که: حال که قرار است، سخی نصرت، مهدی ظهور کند و حقوق از دست رفته مستضعفین را در طول تاریخ، از مسکینین باز پس گیرد، پس مستضعفین باید به هر ظلم و سنی که برایشان میروند رضا دهند و منتظر باشند تا وعد نهایی فرا رسد و مطمئن باشند که اگر رسا میروند در زمان ایشان وقوع سیوس، پس از ایشان، حتماً وقوع میسود و انتقام ایشان هم گرفته خواهد شد.

احساسات که مشغولیت بستگام در خود آگاهی رساندن مستضعفین ایجاد باز می آید، بستگام باید با خود آگاهی یکس - اجتماعی رساندن مستضعفین، فلسفه حقیقی قیام مهدی را دوباره در دلهای ایشان زنده نموده و امیدتان را به پیروزی نهایی تقویت کند.

از آنجا که بستگام به علت همه جانبه بودن شناخت نسبت به مکتب و دیباچم اجتماع و روابط خاص بر آن، توانایی آن را ندارد که ریشه های عمیق استعمار را که شامل استعمار - استعمار - استعمار و می باشد و در طول قرنیه در عمق وجود مستضعفین ریشه دوانده است، بطور مطلق از بین ببرد، بنابراین باید این امید را در دل مستضعفین زنده نگاهدارد که پیروزی نهایی ایشان بر استعمار و استعمار، در زمان مهدی فرا خواهد رسد، و همین امید و انتظار است که ایشان را پیوسته بحرکت و اسادرت تا با پوشش انقلابی خویش به استقبال انقلاب مهدی بروند (۱) و متعل مارزات شیعه و امامواره فروزان نگهداشته و دست بدست گردانند و در آخر آن را بدست مهدی سپارند تا خرمن هشتی مسکینین را با آن به آتش کند.

با پیروزی انقلاب مهدی، که امید هزاران ساله همه خلقهای ستمدیده جهان است، اجتماعی نو، فحاشی تازه برای تنفی استعمارهای سرکوب شده انسانها، روابطی جدید و خلق خوبی خدایی متولد خواهد گشت. نظامهای طبقاتی، استعمار فرد از فرد و اجتماع از اجتماع، تضاد بین آسانکوب بولشوی را می گردند و آسانکوب بول گراشان را هم نمی گردند، با نود می شود و بیحاشی آنها، سیستم اقتصادی عدل، در گذر نظام اجتماعی فسط، بر جامعه حاکم خواهد گشت.

و اراده خداوند که همان خبر تاریخ (۲) و همان نظام سنت تاریخی است که بعنوان ثانوی بر حرکت کلی آفرینش، مرحله بر حرکت اجتماعات بشری حاکم است، در زمین جاری خواهد شد. بدین ترتیب پیروزی نهایی مستضعفین بر مسکینین، آخرین برگ تاریخ بر فراز شیب حرکت انسانها خواهد بود.

رساناخر نهایی (قیامت) ، هدف حرکت حیرتی
کلیه بدیده های هستی و رساناخر مهدی (عج) ،
هدف حرکت اخباری حیرتی انسانها است :

رساناخر مهدی (عج)، فراپدی از پیروزی کلی حرکتی است که به رساناخر نهایی (قیامت) می انجامد (۱)، توضیح اینکه، حرکت کلی آفرینش در سیر تکاملی خود رو بهای بی شماری را پشت سر گذاشته است، مثلاً تبدیل ماهیها به دوزیسان یک روند است، فقط این حرکت تکاملی ماهی را که وی پس از بدین سرگردانن یک سیر تکاملی - در آن قطع در حال تبدیل شدن به دوزیسان است، فراپدی ماهی میبایم، بنا بر این فراپدی حرکت ماهی - فقط این حرکت تکاملی وی است که وی سار از آن - هماری حرکت خویش را با ماهیها از دست میدهد و به یک سار بالاتری از حرکت (دوزیسان) می رسد و در نتیجه حرکتش با دوزیسان هفاز میشود.

رساناخر مهدی فراپدی از حرکت انسانها است، که انسانها پس از طی (۱) - در بعضی از شهرها رسم بر این بوده است که مردم اسبی را تمام بحیثیت حاجت، برای میگردانند و به خارج از شهر به پیشار امام زمان می رانند، تا حاجتگاه امام ظهور کند، بر این اسب سوار شده و ماراره ایشان را بر علیه مسکینین رهبری کند.

(۲) - در اینجا باید این نکته را توضیح داد که به سوجه نقش اراده انسانها در حرکت تاریخ، مانده گزیده خواهد شد. سنت خداوند در این مورد، بدین صورت جاری است که چنانچه انسان اراده کند، در حرکت اجتماع تغییر حاصل خواهد شد و اگر اراده نکند، عرصه جنگا بحریت جاری انجام خواهد شد (هر رفته به ۱۱) سراسر تمام بحول اجتماعات بر اساس "لا عیبه" و "لا تعزیر بل افرین" امین، تحقق می یابد.

(۳) - ما در اینجا حرکت کلی آفرینش را از ابتدا حلفت تا انسانها (قیامت) یک پیروزی "گرفته ایم، نتیجه حرکت تکاملی انسانها را (رساناخر مهدی) که حرثی از حرکت کلی آفرینش است، فراپدی نامیده ایم.

یک سیر تکاملی طولانی - به این فراپدی رسیده اند و با پشت سرگردانن آن وارد مرحله جدیدی از حرکت خود (رساناخر نهایی) می شود و حرکتشان در این مرحله جدید در فاز بالاتری از حرکت قبلی آنان قرار دارد.

بنابراین، اعتقاد بر رساناخر مهدی (از نظر کلیاتیم نکوس آفرینش) اعتقادی است در ردیف اعتقاد به رساناخر نهایی (قیامت) . رساناخر نهایی، هدف حرکت کلیه بدیده های هستی اعم از طبیعی و اجتماعی است. و رساناخر مهدی که بخلی که امید و انتظار انسانها به پیروزی نهایی حق بر باطل است، هدف حرکت بدیده های انسانی - اجتماعی است. به عبارت روشنتر، رساناخر نهایی، هدف حرکت "حیرتی" کلیه بدیده های هستی (طبیعی - اجتماعی) است و رساناخر مهدی، هدف حرکت "حیرتی - اخباری" بدیده های انسانی - اجتماعی است. رساناخر نهایی، هدف حرکت کلیه بدیده های هستی را از غنبت و بوجی رها نموده و هدفدار و معنی دارشان میسازد، و وجود مسکینان را میبویم می بخشد، و رساناخر مهدی، با انتظار و امید که در انسانها جهت تحقق ایده آلهای انسانی اجتماعی تان ایجاد میکند، حرکت آنها را از بی هدفی و بوج گرائی نجات میدهد و آنها را از غرق شدن در وادی سردرگنی ها و انحرافات ناشی از بوج انگاری باز میسازد، و به وجود محرکات معنی و مفهوم می بخشد.

بنابراین هدفدار بودن حرکت کلی آفرینش و نیز هدفدار بودن حرکت انسانها (که این هدفدار بودن را زنده اطمینان به آینده است)، نگر - ما را بدینگونه بدیده های هستی (طبیعی - اجتماعی) تشکیل میدهد (ج - بنی) .

در سیر دیباچیم بدیده های متنوع هستی به این نکته بر محور - که هر نوع از انواع بدیده ها از بدو حرکت خویش، حیرا - هدف هدف نوعی از مقصد کمالی اش) می یابند، که دیباچیم این حرکت، در رابطه با دیباچیم حرکت تکوینی کل بدیده های هستی (پیرو کلی حرکت آفرینش) است.

توضیح اینکه، چنانچه انواع موجودات اعم از جاندار و بی جان، با شهور و بی شهور، در مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که بدیده های متنوع، بدرجی یک پس از دیگری بوجود آمده و تکامل یافته اند. از خاک خست و بیجان، موجودات جاندار و موجودات حیوانات، انواع نباتات و از نباتات، حیوانات بی شهور، و آنگاه انسان بمصه ظهور رسیده است.

تا نوحه به این پیروزی کلی به این نتیجه می رسیم که هر نوعی از انواع موجودات، در وجود خود، دارای یک سیر تکوینی معین است که حیرا - باد آن را طی کند تا به هدف نوعی اش با مقصد کمالی اش برسد. این سیر تکوینی معین را در مورد هر بدیده، سیر آن بدیده می گوئیم، و هم چنین هر نوع، دارای مراحل مختلف حرکتی سیر می یابد. که بعضی از این مراحل را پشت سر گذاشته و بعضی را پیشرو دارد. بعنوان مثال، ماهیها از بدو بدینسان سیر دارند که سیر تکوینی معین خود را به بر اساس آن طی کرده اند و به بلوغ و سپس بیری و آنگاه مرگ می رسند. این سیر حیرتی که ماهی بخاطر رسیدن به هدف نوعی اش با مقصد کمالی اش (که ماهی بالغ یا بیری باشد) طی میکند، سیر تکوینی یا منزل حرکتی او میسازد.

از طرف دیگر، ماهیها دارای مراحل مختلف حرکتی نیز میباشند که بعضی از این مراحل را (بطور گذار از جانوران یک سلولی به چند سلولی و تا ماهیها) طی کرده اند و بعضی دیگر را در پیش دارند (بطور دوزیسان، پرندگان، چهار پاییان، انسان) . اما، هم تکلیف بدیده ها و هم انواع مختلف (۱)، دارای یک رابطه تکوینی مشترک (حرکت) می باشند که همچون نخ تسبیح تمام آنها را بهم پیوند داده است. و این رابطه تکوینی، حرکت است (۲). فراتر پدیده های هستی و نیز انواع، در سیر استکمالی حرکت آفرینش بتکلی است که نه بدیده ها می توانند منزل خود را تغییر دهند و نه انواع می توانند مراحل خود را عوض کنند. (همچون دانه های تسبیح) بنابراین، هر نوعی از انواع دارای یک غایت تکوینی است که از آغاز حرکت منوجه آن می باشد و پیوسته در حرکت است و از پای نمی نشیند تا به غایت حرکتی اش برسد، پس میتوان گفت که هر نوعی از انواع، دارای سیر خاصی در حرکت کلی آفرینش می باشد که این سیر خاص، دارای مراتب خاصی، است و این مراتب بترتیب از سارلتربس مرتبه تا عالیترین مرتبه که همان غایت و هدف نهایی نوع است، ادامه دارند، هر نوعی از انواع، بصورت تکوینی نه ارادی در طلب دست یافتن به غایت و هدف نهایی خویش است و از همان آغاز تکوین خود، مجهز به وسایلی جهت دست یافتن به آن غایت تکوینی می باشد.

سیر استکمالی حرکت بدیده ها از سلسله به نسل دیگر بصورت نوالد

پاوی

(۱) - یک گنجینه یک بدیده است و مجموعه گنجینه یک "نوع". یک گنجینه با طی منزل حرکتی اش به تکامل میرسد و مجموعه گنجینه با طی مرحله حرکتی آنان به نوع متکاملتری بدل میشوند.

(۲) - برای دریافت روشنی از بحث، به مقوله حرکت و سیر مقوله وی، از سلسله مقولات فلسفی - مذهبی که در ارگان سارمان چاپ میشود، مراجعه کنید.

و ناسال و گاه از نوعی به نوع دیگر به صورت جهت (موازن) همچنان ادامه دارد تا بدیده‌ها را به مرحله‌ای از وجود می‌رساند که همه انواع از نظر اسکالایی اشباع میشوند و در یک شکل جهتی رسا حیرت نهایی را متحقق می‌سازد. بنابراین رسا حیرت نهایی که غایت سراسکالایی بدیده‌ها می‌باشد حاصل (فرایند) همین سراسکالایی بدیده‌ها در رابطه با محتوای تکوینی شان می‌باشد. هر نوعی از انواع موجودات (طبیعی - اجتماعی) در خلال حرکت "جوهری" حیرت "خوش می‌کند" از طریق طی سراسکالایی حیرت خود را به آن غایت نهایی می‌رساند و تألیف بر سر "نکات" را (که همان غایت است) اخذ نماید.

در اینجا بحث که به بحث "غایت نهایی" در هدفدار کردن حرکت اسکالایی "حیرت" جوهری "بدیده‌ها" می‌ی‌برسم.

مکانیزم پوشش انسانها جهت دست یابی به غایت حرکت خویش (رسا حیرت مهدی):

در کاروان محرک آفرینش، اجتماعات انسانی وضع خاصی را دارا می‌باشند. بدین معنی که از یکطرف با حرکت حیرت کاروان، هدفدارند و از حکم کلی‌ای که در مورد آنها جاری است مستثنی نیستند، و از طرف دیگر علت وجود "اراده" که وجه تمایز بدیده‌های انسانی - اجتماعی از بدیده‌های طبیعی است دارای یک مسیر حرکتی اختیاری نیز می‌باشد. انسان، هم‌طور با حرکت سایر بدیده‌های هستی در یک مسیر حیرت اسکالایی جهت نایل به غایت حرکت خویش (رسا حیرت نهایی) در حرکت می‌باشد. از آن‌رو که یک نطفه انسان شروع به رشد می‌کند، به سوی یک انسان تمام عیار که تمام آثار انسانیت و خواص آن را دارا می‌باشد، می‌رود. است. و تا رسیدن به این هدف نهایی، مرحله‌ای را به تدریج طی می‌کند: "علقه" - مضغه - عظام - جنین - طفل - مرغان - جوان - فرد کامل سالخورده و بالاخره مرگ."

اما با طی مسیر اسکالایی انسان با سایر بدیده‌ها متفاوت است و این تفاوت ناشی از ویژگی خاص انسان را می‌توان بدیده‌های هستی، یعنی "اراده" او می‌باشد. این اراده، حرکت انسان را در یک مسیر دو شاخه‌ای "حیرت-اختیاری" شکل می‌دهد (۱). و این مسیر در رابطه با ایدئالهای دهی انسانی - اجتماعی است که انسان برای نایل به آنها تلاش می‌کند.

لرزم تشکیل اجتماع:

وجود موانع بیشتر و به ظاهر غیر قابل عبوری که در سرازه حرکت انسان جهت دست یافتن به ایدئالهای ذهنی انسانی - اجتماعیشان خود نمای می‌گیرد، لزوم همیاری و همکاری انسانها را برای گذشتن از این اصطکاکهای حرکتی ایجاد می‌کند. و بدین لحاظ انسانها دست به تشکیل اجتماع زدند تا آن را وسیله‌ای قرار دهند جهت دست یافتن به ایدئالهای ذهنی انسانی اجتماعیشان.

بدین ترتیب می‌بینیم که وجود اجتماع، راثیده ضرورتی بوده است که انسانها در ضمن پوشش اسکالایی خود، بدان رسیده بودند.

برای این منظور، انسان ابتدا اقدام به تشکیل کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده، نمود و سپس اجتماعات بزرگ و بزرگتر را بتدریج بی‌ریزی نمود. و از مسیر ازدواج، تعاون و همکاری با دیگران، ... جهت رفع حاجت وجودی انان به تدریج کسای برپا داشت. اما اجتماع زیستی که در پوشش تکاملی انسانها بصورت یک کانالیزور عمل می‌کند، بخاطر دینامسم وجودی انسان که منتهی در حرکت حیرت و اختیاری است، دچار انحراف حرکتی شد و ضرورت وجودی خود را بعنوان یک کانالیزور حرکتی برای انسانها، از دست داد و خود، بصورت مانع بزرگی در سرازه پوشش تکاملی انسانها قرار گرفت. از این لحظه بود که سراسکالایی اجتماع انسانی بدل به یک سراسکالایی در حیات انسانها در خطر نابودی کامل قرار گرفت. این سربوشت محزون (نابودی) گریبانگیر برخی از جوامع انسانی گردید و آنها را از صحنه روزگار محو و نابود ساخت.

پیدایی دو بدیده مسکین و مستضعف در اجتماع، ضرورت اجتناب ناپذیر این سراسکالایی بود. و از آن زمان اجتماع، صحنه پیدایش گریه‌های مسکینین شد و باعث شد تا روابط این دو طبقه - متشکک اجتماع جز بر اساس خصومت، عداوت و خونریزی برچیز دیگری استوار نگردد. ادامه عملکرد مسکینین در اجتماع و شکل‌گیری روابط مسکین و مستضعف بر اساس خصومت و خونریزی که هر روز اوج نازاری می‌یافت و حیات انسانها را تهدید می‌نمودی فطقی می‌کند. از این رو، بحث انسانها برای ایجاد اعتدال دوباره در حرکت اجتماع، توسط زمین بودن مسکینین (استرانزی) پیامبران (و شخصیت وجودی بخشیدن دوباره به مستضعفین) استرانزی "الا" (یا پیامبران) ضرورت پیدا کرد. و این ضرورت به تحقق پیوست.

پایان (۱) - امام صادق می‌فرماید: "لا حیرا" و لا تقوی بل امر بین الامم

معنی: "پس برای بدیده‌های اجتماعی که مقایسه با بدیده‌های طبیعی، یک مسیر خاص حرکتی دارند که پیوند این مسیر خاص که آنها را به غایت نهایی‌شان (ایدئالهای ذهنی انسانی - اجتماعی) می‌رساند، بصورت ارادی انجام میشود.

انسانها با ایجاد تعادل در حرکت انحرافی اجتماع (که این عمل بر اساس "وحي" انجام می‌شود) انسانها را دو مرتبه در مسیر اسکالایی حرکت و امتداد می‌دهند. و این حرکت انسانها در کادر وحي، تا مدتی ادامه می‌یابد. اما دینامسم با همکار نگین این بدیده (اجتماع) که بر اساس حرکت متعادل حمله‌های نفسانی (۱) و خصوصیات انسانی (۲) شکل می‌گیرد بود. دوباره آفرینش حرکت اعتدالی خارج ساخته و به مسیر انحطاط و هفرا سوق می‌داد. و وسوسه‌های پنهان و آشکار مسکینین، جوانهای باس و با امیدی را در دل‌های مستضعفین می‌کاشت و آرزوهای انسانی - اجتماعی‌شان را در دست نیافتنی و غیر واقعی جلوه می‌داد. بدین لحاظ، انسانها روز بروز نل به ایدئالهای انسانی - اجتماعی خویش را متکثر می‌نمودند. مستضعفین، چنانچه انسانی محکم و خلل ناپذیر به تحقق اجتماع ایدئال خود که در آن از ظلم و ستم و وسوسه‌های گوناگون مسکینین اثری نباشد، نداشتند، و نیز ایمان نداشتند که دست یافتن به این ایدئال پس از پیروزی فکلی انسان بر مسکینین، عملی خواهد شد. وسوسه‌های مخفی و آشکار مستضعفین، در انسانها نوعی نو می‌آفاد و به باس مبارزاتی آنان می‌کشد و آنها را باعث بودن هر پوششی و جنبشی و تلاشی برای دستیابی به آرزوهای پنهان و در نتیجه باعث بودن زندگی و حیات و هستی، می‌شود. مساحت.

انحسار که می‌بینیم ایمان به هدفدار بودن آفرینش و نیز "امید و ایمان" به پیروزی نهایی مستضعفین بر مسکینین و در نتیجه تحقق آرزوهای انسانی - اجتماعی‌شان که در اعتقاد به "رسا حیرت مهدی" منجلی است، تا چه حد می‌تواند حرکت مستضعفین را جهت دستیابی هر چه رودتر به آرزوهای خویش و رستگاری برای انقلاب مهدی، شکل دهد. ایمان به رسا حیرت مهدی و تضمین پیروزی وی از جانب خداوند، چنان امید در دل‌های بزرگوار انسانها می‌کاشت که آتش می‌شود بر خرم هستی تمامی خفته‌های تاریخ، بر می‌انگیزد و قله‌های آتشی می‌شود بر خرم هستی تمامی مسکینین و وسوسه‌های مخفی و آشکارشان. و اراده آهنین مستضعفین را برای ادامه نبرد خونبار همیگی شان بر علیه مسکینین، با پیروزی نهایی برهمنی مهدی، به حیران می‌آورد.

بنابراین می‌بینیم که اجتماع رستنی انسان که در ابتدا وسوسه‌ای بود برای رفع ضعفهای تکوینی او سرازه دست‌یابی به آرزوهای ذهنی‌اش به حرکت درآید. بر اثر انحراف حرکتی که در حرکت حاصل شد، پیدایی دو بدیده مسکین و مستضعف را موجب شد و بدینال آن مانعی شد بر سر راه پوشش تکاملی انسانها. از آنجا که وجود اجتماع، عامل ضروری است برای تحقق کمال و سعادت انسانها، برای آنکه اجتماع، رسالت حقیقی خود را به انجام رساند، باید حرکت آن در کادر "وحي" صورت پذیرد. یعنی سنتها و قوانینی بر حرکت آن حاکم باشند که منتهی از "وحي" باشد. در غیر اینصورت انحراف اجتماع و پیدایی دو بدیده مسکین و مستضعف اجتناب ناپذیر خواهد بود (۳).

فراگیری اعتقاد به قیام یک منجی، در سایر ملل

مطالعه فرهنگهای مختلف ملل گوناگون، گویای این حقیقت است که فرهنگ تمامی جوامع بشری دارای دو ناحیه حرکتی می‌باشد. اول اینکه هر اجتماعی ولو جوامع ساده، یا بر اساس طبع و صفات و عقاید مذهبی خود، در گذشته‌های دور دارای عصری طلایی بودند و آنگاه این عصر طلایی از بین رفته و بجای آن فساد، ظلم، نیرگی، استعمار و ... حاکم گشته است. و دوم اینکه تمامی جوامع معتقد به یک انقلاب بزرگ و نجات بخش در آینده، که توسط یک منجی صورت می‌گیرد و دوران طلایی گذشته را باز می‌گرداند هستند و معتقدند که این عصر طلایی، عصر پیروزی عدالت و برابری و قسط می‌باشد.

بدین روی می‌بینیم که اعتقاد به وجود آیندیه در خدایان که در آن از ظلم و ستم و استعمار خبری نباشد و پیروزی حق بر باطل را بدینال داشته باشد، فراگیری بسیار بیشتری از ملت مسلمان شیعه دارد و اکثر ملل جهان را شامل است. و این حالت انظار را که در ملت‌های جهان وجود دارد پیوسته مشوق آیندیه در مبارزه بر علیه سلفطغران بوده است تا بتوانند قدمی بسوی تحقق ایدئال خویش بردارند.

در کنار پوشش انسانها برای متحقق ساختن ایدئال خویش (رسا حیرت مهدی)، دستگاه آفرینش نیز در یک مسیر اسکالایی (الی الله) جهت نایل

پایان

(۱) - حمله‌های نفسانی انسان همانطور که در درس اول گفتم، عبارتند از: استخدام ظلمی - آزارخواهی - مسئولیت - فرون ظلمی حب شیوت ...

(۲) - خصوصیات انسانی نیز همانطور که در درس اول آمده است، عبارتند از: هلو - ظلم - کفر - جهل - طغی - حار - کود - عجل - ضعف. که این خصوصیات بارهای حمله‌های نفسانی فوق، در وجود انسان می‌باشد.

(۳) - لازم به توضیح است که حرکت کلیه بدیده‌های هستی در کادر وحي (هدایت تکوینی) صورت می‌گیرد. و چنانچه حرکت اجتماع هم بخوبی با حرکت کلی آفرینش صورت هم‌فازی داشته باشد، باید در کادر وحي انجام پذیرد. در این مورد به مقاله "وحي از سلسله مفولات فلسفی - مذهبی مدرن در ارگان سازمان مراجعه کنید.

به غایت خوش (رسا حیرت نهایی) پیش می‌رود. و هر چند که انسانها بر اثر بروز موانع اصطکاکهای مسیر، از حرکت باز می‌ایستند، اما حرکت آفرینش همچنان از روید عادی خود خارج نشده و پیوسته بسوی رسا حیرت نهایی (قامت) گام می‌زند.

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد به این نتیجه می‌رسیم که کاروان بدیده‌های هستی که در یک مسیر "الی الله" به سمت غایت "الله" در حرکتند، به دو دسته تقسیم میشوند: دسته اول بدیده‌های طبیعی می‌باشند که در یک جریان کلی و عمومی دارای یک حرکت حیرت هستند که بر اساس فواید علمی صورت می‌پذیرد. فواید علمی عبارتند از فواید اصول ثابت حاکم بر آفرینش.

انواع مختلف موجودات طبیعی، از بدو پیدایش خود برای رسیدن به مقصد کمالی و هدف نوعی خود، به وسایل و نیروهای مناسب باهدف نوعی شان تجهیز شده‌اند و بدون اینکه کمترین سستی و خشکی از خود بروز دهند با تلاش و تکیه‌های مستمر حیرت را که هم‌طور با مسیر حیرت کلی آفرینش می‌باشد (مسیر الی الله) برای دستیابی به مقصد کمالی‌شان می‌پیمایند.

همه خرما، از همان ابتدای تکوین خود، یک مسیر حیرت را با تلاش و تکیه‌های حیرتی ناپذیر جهت رسیدن به درخت حیرا (هدف نوعی‌اش) می‌پیماید. نطفه حیوانات در سراسر اسکالایشان، نوع کامل خود را مد نظر دارند و برای دستیابی بدان تلاش می‌کنند. سایر بدیده‌های هستی نیز به همین ترتیب با در نظر داشتن هدف نوعی خود، یک پوشش داللی را دنبال می‌کنند. بر خود عمل و اسباب موافق و مخالف اگر چه بسیاری از موجودات را از اصول به مقصد کمالی‌شان مانع می‌شوند و آنها را قبل از رسیدن به هدف نوعیشان از صحنه خارج می‌کنند. اما طاق کلی آفرینش از رومه عمومی خویش دست بر نداشته و حرکت عمومی بدیده‌ها را به سمت غایت نهایی حرکت آفرینش (الله) هدایت می‌کند.

این سراسکالایی با برپایی رسا حیرت نهایی (قامت) ادامه دارد. رسا حیرت نهایی حاصل این سراسکالایی حرکت بدیده‌هاست که بدیده‌ها بایست سرگردان آن، یک تغییر جهتی در دینامسم وجودی‌شان حاصل شود و وارد فاز بالاتری از حرکت خویش می‌شوند.

دسته دوم - بدیده‌های انسانی - اجتماعی هستند که در یک مسیر دو بدیده "حیرت-اختیاری" که در رابطه مستقیم با دینامسم تکوینی‌شان (نفس-انسان) می‌باشد، در حرکتند (۱).

اما اجتماع، بدیده‌ای است که بعنوان یک ضرورت حرکتی، برای رفع کمبودهای وجودی انسان، توسط وی ایجاد شده است. پس میتوان گفت "اجتماع" در رابطه با "انسان" یک صورت اعتباری دارد و امالت آن "انسان" است. از آنجا که انسان در بعد حیرت خویش "حیرا" هم‌طور با سایر بدیده‌ها در حرکت است، اجتماع نیز به نفع انسان (سازنده اجتماع)، دارای یک حرکت حیرت می‌باشد که با حرکت سایر بدیده‌های هستی هم‌فاز است.

انسان همچون سایر بدیده‌ها از بدو تکوین خود (انفاد نطفه) هدف نوعی خویش را (نایل) با تلاش و تکیه‌های حیرتی ناپذیر، بطور حیرتی دنبال می‌کند و تا قبل به آن پای نمی‌نماید.

اما این حرکت حیرت بی‌انگیز سراسکالایی خود مادی انسان است و تنها، انسان را از نظر مادی به کمال می‌رساند. در این رابطه، اجتماع هم بعنوان یک کانالیزور، حرکت او را در رسیدن به کمال مادی یاری می‌دهد. اگر فقط این بعد از حرکت انسان (بعد مادی) را در نظر بگیریم، انسان نیز حیوانی همچون سایر حیوانات خواهد بود و اجتماع انسانی هم اجتماعی جوان سایر اجتماعات حیوانی که همگی در یک مسیر حیرت (الی الله)، یک حرکت حیرتی هم‌فاز را برای رسیدن به هدف نوعی خویش دنبال می‌کنند. اما وجه تمایز انسان با حیوان (یعنی اراده) باعث شده است که انسان یک بعد حرکتی دیگر هم پیدا کند (بعد معنوی) که سراسکالایی انسان در این بعد حرکتی، رابطه مستقیم دارد با ایدئالهای ذهنی انسان اجتماعی او. انسان با تکامل در بعد معنوی خویش، اهداف و غایاتی دنبال می‌کند که بسیار برتر از احیاجات و نیاز مندیهای مادی او (که لازمه بعد مادی حرکت او هستند) می‌باشد. این اهداف و غایات که در رابطه با خلیفه الهی انسان است، کسب صفات خدایی می‌باشد.

بر این اساس، انسان پیوسته تلاش می‌کند که صفات خدای که خلیفه الهی او در رابطه با آن صفات مفهوم می‌یابد، کسب کند و خود پرورش دهد تا نیازهای بعد معنوی حرکت خود را ارضا کند. بعد از حرکت انسان هم از آنجا که در رابطه با کسب صفات خدایی است تا بینهایت امتداد می‌یابد.

بنابراین ضرورت دوم پیدایی اجتماع، از آنجا برای انسانها شده که آن را زمینه مناسبی برای رشد بعد معنوی وجود خود، قرار د و از طرف دیگر، اجتماع برای می‌توانست نقش خویش را در این زمینه ایفا کند. کاسان بر عدالت اجتماعی (قسط) استوار باشد، از این رو، انسان که به

پایان

(۱) - نفس زریای تکوین انسان است و نفس - انسان - زریای تکوین اجتماع. به تحلیل آیات سوره شمع در درس دوم (مستضعفین - پشوانه) و نیز در اول (چگونگی پیدایش) مراجعه کنید.

